

پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

غفت حسینی^۱

چکیده

دوره نوجوانی به لحاظ رشد جسمی و از منظر اجتماعی و فرهنگی دوره‌ای طلایی در زندگی هر فرد محسوب می‌شود. تحول جسمانی، پیشرفت شناختی و توسعه تفکر انتزاعی، هویت‌یابی، خودمختاری و استقلال، مسئولیت‌پذیری، تقویت تعاملات اجتماعی و همچنین نوسان احساسات و عواطف از جنبه‌های بارز در این دوره است. نوجوانان بیش از کودکان در معرض خطرات و انحرافات می‌باشند زیرا آنها بر سر دو راهی عقل و عواطف قرار دارند. نوجوانان سرمایه‌های بزرگ مملکت تلقی می‌شوند و استفاده از نیرو، قوت و استعداد نوجوانان نیازمند به شناخت صحیح این دوره است. هدف اصلی تحقیق حاضر چگونگی معرفی شدن نوجوان از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی است. در این راستا در این مقاله به واکاوی و بررسی تطبیقی تعریف نوجوان، اهمیت دوره نوجوانی، تعریف بلوغ و انواع آن در بیان قرآن کریم و علوم تربیتی پرداخته شده است. نوع فعالیت اجرایی در انجام این تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و از طریق بررسی اطلاعات ثبت شده در متون و اسناد صورت گرفته است. اهم یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وجود تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و... در این دوره غیر قابل انکار است. این تغییرات برهم اثر گذارند و مهم‌ترین پدیده در این دوره، بلوغ و مسئله بحران هویت است که جزء سخت‌ترین مرحله زندگی هر فرد محسوب می‌شود و عبور از آن دشواری‌های خود را دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نوجوانی، بلوغ، علوم تربیتی.

^۱ . استاد و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان، استاد دانشگاه، ehoosiny@yahoo.com

مقدمه

هر پدیده‌ای در طبیعت سرگذشتی دارد که ما از آن به تاریخ تعبیر می‌کنیم. شاخص‌ترین پدیده آفرینش، انسان است. آدمی بعد از تولد، مراحل را پشت سر می‌گذارد. نوزادی (تولد تا یک‌سالگی)، نوپایی (یک‌سالگی تا سه سالگی)، خردسالی (سه تا پنج سالگی) کودک (شش تا دوازده سالگی)، نوجوانی (دوازده تا بیست سالگی)، جوانی (بیست تا سی و پنج سالگی)، میان سالی (سی و پنج تا پنجاه سالگی) کهن سالی و پیری (پنجاه سالگی به بعد) (زیگوریدز، ۱۳۸۱، ص ۳۹).

هر مرحله دارای اهمیت و ویژگی‌های خاصی می‌باشد. اما به عقیده روانشناسان و علماء دینی یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی هر فرد دوران نوجوانی است که عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، هوشی و... در نحوه بروز این مرحله تأثیرگذار بوده و سبب ایجاد تحولات وسیع و عمیقی در وجود نوجوان می‌گردد. این تحولات گاه بصورت آشکار و گاه بصورت نهان وجود دارد. از جمله جنبه‌های غیرقابل مشاهده افزایش هورمون رشد، افزایش متابولیسم بدن، افزایش حجم اندام گوارشی و... می‌باشد. از جنبه‌های قابل مشاهده می‌توان به افزایش قد و وزن، ایجاد صفات ثانویه جنسی، تغییر در چهره و صدا، دگرگونی در خلق و خو، میل به استقلال طلبی و... اشاره نمود (احمدی و محسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

این مرحله از زندگی فرد به لحاظ فیزیولوژیکی مصادف است با آغاز بلوغ و به لحاظ روحی مصادف است با اثراتی که بلوغ همراه با خود به ارمغان می‌آورد. در این مرحله کودک آرام و صبور و وابسته دیروز به نوجوانی قد کشیده و طالب استقلال مبدل می‌گردد. کودکی که تا دیروز به راحتی مهر و علاقه خود را به مادر ابراز می‌نمود امروز در بیان کردن علاقه خود راه

کتمان را پیش می‌گیرد. بنابراین تبیین موقعیت و جایگاه نوجوان از نظر اسلام و متخصصین علوم تربیتی و اطلاع از ضوابط و دستورات آنها درباره نوجوانی منجر به آشنایی با تغییرات و تحولاتی که در این دوره رخ می‌دهد می‌شود و به دنبال آن آشنایی با مراقبت‌هایی که نوجوان در این مرحله به آن نیازمند می‌باشد؛ حاصل می‌گردد. نویسنده در این مقاله به تعریف نوجوانی، اهمیت این دوره، پدیده بلوغ و انواع آن پرداخته است.

۱- تعریف نوجوانی و بلوغ

واژه نوجوانی در زبان فارسی به معنای نوجوان است، تازه برخاسته (عمید، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۱۷) تازه برآمده، تازه جوان، تازه بالغ و جوانی را از سر گرفتن آمده است (شمیم، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۱۱۷).

در اصطلاح پسری را گویند که تازه به مرحله بلوغ و جوانی پا گذاشته است و از نشانه‌های نوجوانی، رویدن مو بر پشت لب‌ها می‌باشد. نوجوانی کنایه از شادابی و قوت و نشاط است که در مقابل این دوره سستی و فرتوتی دوران پیری قرار دارد (معین، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳۴).

در زبان عربی این واژه معادل با لفظ «الحداث» و «الشباب» است. «الحداث» و «الحداثه» به معنای نو، تازه، آغاز و نوجوان می‌باشد. ابن منظور مصری در ذکر ماده «شباب» آورده است: الشباب: الفتاء و الحداثه که به معنای شروع جوانی، تازه، نورسیده و نوظهوری می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۰).

«حادثة السن: کنایه عن الشباب و اول العمر» که اشاره به شروع نوجوانی و آغاز بلوغ دارد. در دوره نوجوانی پدیده تازه و نویی در وجود فرد بروز می‌کند که بلوغ نام گرفته است. واژه «شباب» با توجه به ریشه آن که به معنای افروختن و روشن کردن است؛ گویا اشاره به افروختن و روشن شدن این پدیده، در مرحله نوجوانی دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۰).

بلوغ از نظر لغوی؛ به معنای رسیدن است (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۰). راغب می‌گوید: رسیدن به انتهای مقصود و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد است، هرچند به آخر نرسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴). در ارتباط با بلوغ واژه «ادراک» نیز استعمال می‌شود ادراک الغلام = ای بلغ (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴).

از نظر اصطلاحی نیز بلوغ رسیدن به مرحله تکلیف است (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۷). بنابراین بلوغ در اصطلاح، افزون بر معنای لغوی، به داشتن تکلیف هم اشاره دارد.

۲- ویژگی‌های نوجوانی در قرآن و علوم تربیتی

به استناد آیات قرآن زندگی هر فرد بعد از تولد، شامل سه مرحله اساسی می‌باشد.

«اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»؛ «خدا آن کسی است که شما را اول از جسم ضعیف (نطفه) آفرید آنگاه پس از ضعف و ناتوانی توانا کرد و باز از توانایی به ضعف و سستی پیری برگردانید. او هر چه بخواهد خلق می‌کند زیرا خدا به همه امور عالم و دانا (و به هر چه خواهد) توانا است» (روم: ۵۴).

طبق این آیه شریفه سه دوران عمده در زندگی آدمی وجود دارد:

الف- دوران ضعف نخست (خلقکم من ضعف)؛

ب- دوران قوت (من بعد ضعف قوه)؛

ج- دوران ضعف نهایی (من بعد قوه ضعفا) (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۲۴)؛

طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۳۲، ص ۱۵) که در هر دوران، مراحل مختلفی وجود دارد.

همچنین در سوره مبارکه حج نیز خداوند می‌فرماید: «... وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ...»؛ «و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را (به صورت) طفل بیرون می‌آوریم سپس (حیات شما را ادامه می‌دهیم) تا به حد رشد برسید و برخی از شما (زودرس) می‌میرید و برخی از شما به غایت پیری می‌رسید» (حج: ۵).

این آیه شریفه نیز مراحل عمده زندگی انسان را بعد از تولد بیان می‌کند:

الف- دوران طفولیت (ثم نخرجكم طفلاً)؛

ب- دوران بلوغ (لتبلغوا اشدكم)؛

ج- دوران پیری (ارذل العمر) (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۶، ص ۴۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۱،

ج ۲۸، ص ۲۰۶)

۲-۱- دوران ضعف نخست یا طفولیت

در اصطلاح قرآن، فرد از هنگام تولد تا بلوغ، «طفل» نامیده می‌شود. «..... أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ...» (نور: ۳۱). در روایات این دوران به دو مرحله تقسیم می‌شود:

الف - مرحله فعالیت که همان هفت سال اول زندگی آدمی است.

ب - مرحله حصول قابلیت تعلیم و تأدیب؛ در این مرحله از هفت سالگی به بعد ویژگی تازه‌ای در فرد حاصل می‌شود و آن ویژگی «تکلیف پذیری» است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

۲-۲- دوران قوت

پس از طفولیت دوران دیگری فرا می‌رسد که آن را دوران قوت می‌نامند. این دوران نیز مراحل دارد.

مرحله اول، مرحله بلوغ می‌باشد. از پایان مرحله نهایی دوران گذشته (طفولیت)، زمینه‌هایی در فرد فراهم می‌شود که سرانجام به بلوغ جنسی ختم می‌شود.

در قرآن علاوه بر بلوغ جنسی از عنوان «بلوغ اشد» «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (قصص: ۱۴) یاد شده است که در ضمن این دو مرحله از بلوغ، فرد به قابلیت فکری و اجتماعی نایل می‌شود.

در مورد قابلیت فکری می‌توان به توصیه‌های لقمان به فرزندش استناد جست. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...»؛ «و اگر پدر و مادر تو را به شرک خدا وادار کنند (که) تو به (حقیقت) آن علم نداری، (دراین صورت) پس دیگر امر آنها را اطاعت مکن» (لقمان: ۱۵).

اگر پدر و مادر به سبب عقیده انحرافی فرزند را امر به شرک کنند وظیفه فرزند تسلیم نشدن و حفظ استقلال فکری‌اش می‌باشد تا عقیده توحیدی را با شرک معاوضه نکند (شریعتمداری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۹۶).

این امر پروردگار نشانه آن است که فرد با ورود به عرصه تکلیف یعنی رسیدن به مرحله بلوغ، به قابلیت فکری کافی دست می‌یابد تا آنجا که باید استقلال فکری خود را حفظ کرده و در مقابل خواسته‌های ناصحیح تسلیم نشود. فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ «کودک» یا «صغیر» نامیده می‌شود. در این مرحله فاقد تکلیف الزامی است؛ زیرا تکلیف مشروط به بلوغ است. (لأنَّ التكاليف منوطة بالبلوغ) (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۰۹) و در اینکه بلوغ شرط تکلیف به واجب و حرام است هیچ اختلافی نیست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶).

در این آیه نهی از اطاعت پذیری در صورت دعوت به شرک صورت گرفته است و این انشاء طلبی از صغیر معنا ندارد. اما قابلیت اجتماعی به دلیل حصول رشد می‌باشد. «رشد» به معنای راه یابی و هدایت به مقصد است (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۲). منظور از رشد در این مرحله، دست یابی به قابلیت کافی برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی است که بدین ترتیب فرد می‌تواند به طرف مقصد زندگی خود هدایت شود. از مقایسه دو آیه شریفه زیر می‌توان به این نکته دست یافت که رشد و بلوغ اشد با هم ملازمه دارند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

خداوند در آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید: «وَابْتَالُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...»؛ «و یتیمان را بیازماید تا وقتی به (سن) زناشویی برسند، پس اگر در ایشان رشد (فکری) یافتید، اموالشان را به آنها رد کنید».

و در سوره کهف آیه ۸۲ می‌فرماید: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا...»؛ «و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند».

خدا خواست تا آن اطفال به حد رشد برسند تا (به لطف خدا) خودشان گنج را استخراج کنند.

در هر دو آیه بحث از نایل شدن اطفال یتیم به قابلیت تصرفات مالی و اقتصادی است اما در آیه اول پدیدار شدن «رشد» و در آیه دوم «بلوغ اشد» مطرح شده است که در واقع ملازمه این دو را می‌رساند. حصول رشد بعد از بلوغ به منزله شرطی برای شرکت فرد نوجوان در امور

اقتصادی و اجتماعی است. لذا جواز فرد برای مبادرت در پاره‌ای از احکام اسلامی که جنبه اقتصادی و اجتماعی دارد، مثل تصرفات مالی، شهادت دادن و ... نیل به رشد است. پس فرد در بلوغ و مرحله اوج بلوغ که اولین مرحله قوت است، به قابلیت‌هایی نظیر قابلیت فکری، اجتماعی، اقتصادی، آمادگی برای ازدواج و ... می‌رسد. بنابراین اگر در احادیث، هفت سال سوم زندگی به عنوان مرحله تکلیف‌پذیری، وزارت و مشورت معرفی شده است، ناظر بر همین امور است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳).

در احادیث برای تعیین سن نوجوانی بین سیزده، چهارده و پانزده سالگی شاهد نوساناتی هستیم. به‌طوری‌که بعضی از احادیث، سیزده سالگی را به عنوان شروع مرحله بلوغ می‌دانند و در بعضی احادیث سن چهارده سالگی را سن آغاز بلوغ معرفی می‌نمایند و در هر دو مورد مسئله، وجود پاداش و تنبیه در برابر اعمال آنها مطرح است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اذا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَةُ وَ كُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَةُ وَ عَوِيبٌ؛ هنگامی که فرزند به سیزده سالگی رسید اعمال نیک و بد وی نوشته می‌شود و مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۶۵).

در جایی دیگر در پاسخ به سؤالی چنین می‌فرمایند: «فی کَم تَجَرى الاحکامُ علی الصبیان؟ قال (علیه السلام): فی ثلاثِ عشرةٍ وَ اربعِ عشرةٍ سَنَةٍ؛ چه موقع می‌توان احکام را بر کودکان جاری ساخت؟ حضرت فرمودند: در سیزده و چهارده سالگی» (طوسی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۰). و در حدیثی سن پانزده سالگی را (با بیان معیارهای جسمی بلوغ) برای آغاز مرحله بلوغ معرفی می‌نمایند.

حضرت می‌فرمایند: «الغلام لا يجوز امره في البيع والشراء، ولا يخرج من اليتيم حتى يبلغ خمسة عشر سنة او يحتلم او يشعر او يتبت قبل ذالك؛ كودك نابالغ جایز نیست خرید و فروش کند و از یتیمی خارج نمی‌شود تا اینکه پانزده ساله شود یا محتلم شود یا (اینکه در برخی از قسمت‌های بدن او) مو برود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۹۷).

از این حدیث برمی‌آید در صورت عدم نشانه‌ها و معیارهای جنسی و جسمی، می‌توان ورود به سن پانزده سالگی را آخرین نشانه و معیار بلوغ قرار داد.

در مورد دختران سن نه سالگی آغاز قبول مسئولیت می‌باشد. نتیجه اینکه از دیدگاه اسلام شروع مرحله نوجوانی با بلوغ آغاز می‌شود. اما مرحله دوم دوران قوت را «استواء» نامیده‌اند که بعد از اوج بلوغ ظهور می‌کند (بستانی، هویشم، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹). قرآن در مورد این مرحله می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...»؛ «چون به رشد و کمال خویش رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم» (قصص: ۱۴).

این دوره را بیشتر صاحب نظران علوم تربیتی حد فاصل کودکی و جوانی می‌دانند. نوجوانی به معنای رشد تا رسیدگی است. منظور از رشد و رسیدگی فقط رشد جسمانی نیست، بلکه رشد روانی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. در این مرحله نوجوان از یک سو در حال گسیختن از پیوندهای خود با دوره کودکی و از سوی دیگر شیفته دستیابی به استقلال بزرگسالی است. لذا این دوره دارای طیف وسیعی است که با بخشی از قلمرو کودکی مرتبط می‌شود و انتهای این طیف به جوانی و دوران بزرگسالی می‌رسد. نوجوانی مرحله دگرگونی و تغییرات کیفی است که نوجوان را از کودک و بزرگسال جدا می‌سازد (نجاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

شروع سن نوجوانی همراه با بلوغ جسمی و جنسی است. بنابراین مشخص کردن سن طبق این معیار در افراد با قاطعیت بیشتری امکان پذیر می‌باشد هرچند همین نقطه آغاز هم در افراد

جوامع مختلف متغیر است زیرا عوامل شروع سن بلوغ مانند جنسیت، وراثت، محیط اجتماعی، وضعیت تغذیه، روابط اجتماعی و... را نمی توان نادیده گرفت از طرفی پایان آن را هم بر حسب شرایط محیطی و فرهنگی نمی توان در جوامع مختلف یکسان دانست. بنابراین متخصصان این امر بیشتر در مورد میانگین سن، سخن می گویند و به همین دلیل مرحله نوجوانی، از سوی روانشناسان به صورت های متفاوتی تقسیم بندی شده است (شرفی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

گروهی از روانشناسان نوجوانی را به سه مرحله تقسیم کرده اند:

الف- نوجوانی نخستین (از سیزده تا پانزده سالگی)

ب- نوجوانی میانه (از پانزده تا هیجده سالگی)

ج- نوجوانی بعدی یا انتهایی (از هیجده تا بیست سالگی)

گروهی نیز نوجوانی را به دو مرحله تقسیم کرده اند:

الف- دوره اول نوجوانی (از دوازده سالگی تا شانزده سالگی)

ب- دوره دوم نوجوانی (از شانزده تا بیست سالگی) (نجاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). در روانشناسی

رشد برای این دوران تقسیم بندی های دیگری نیز بیان شده است. به عنوان مثال، در یک تقسیم بندی در ذکر سن برای دختران و پسران، تفاوت هایی قائل شده اند. اما نقطه اشتراک این تقسیم بندی ها این است که خط امتداد نوجوانی از سن ده سالگی تا بیست سالگی را شامل می شود و مهم ترین ویژگی دوران نوجوانی را بلوغ ذکر می کنند. نکته دیگر اینکه؛ برای بلوغ علائمی ذکر می شود که وجود همین علائم سبب شده است شروع سن نوجوانی در دختران زودتر از پسران اعلام شود.

۳- اهمیت نوجوانی از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

بر طبق مراحل زندگی انسان در قرآن، نوجوانی مرحله قوت و قدرت، ایام طراوت و شادابی و انرژی‌زایی است. در این مرحله جهل تبدیل به دانایی، ضعف تبدیل به توانایی و وابستگی مبدل به استقلال می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «... ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً...»؛ «سپس بعد از ضعف (دوران) قوت را قرار داد» (روم: ۵۴).

یکی از مهمترین ویژگی‌های این مرحله، بالغ شدن فرد است. حادثه مهمی که به دنبال خود، آمادگی و استعداد فرد را برای حضور در مقابل پروردگار عالم، فراهم می‌سازد. قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ...»؛ «و آنگاه که اطفال شما به حد احتلام (و بلوغ) رسیدند» (نور: ۵۹).

واژه «حلم» به معنای آنچه در خواب دیده می‌شود، بلوغ، تکلیف، رؤیا و عقل می‌باشد (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۴) در این آیه واژه «حلم» کنایه از بلوغ است که با یک جهش عقلی و فکری توأم است. گاه چون جوانان مقارن با بلوغ، صحنه‌هایی در خواب می‌بینند که سبب احتلام آنها می‌شود؛ این واژه به عنوان کنایه از بلوغ بکار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۵۴۱).

کودک بعد از بالغ شدن و رسیدن به مرحله نوجوانی مکلف می‌شود که به انجام فرایض بپردازد و هر چه از واجبات را تا قبل از این مدت به صورت تمرینی و تقلیدی انجام می‌داده است، باید بعد از این به صورت دقیق و دائمی به انجام برساند.

در اهمیت این دوران، احادیث فراوانی ذکر شده است. از جمله اینکه از این دوران در قیامت سؤال می‌شود پیامبر فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَا تَزُولُ قَدَمًا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمَرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ شَبَابٍ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ...؛ بدرستی که بنده بر نمی‌دارد قدمی از قدم در روز قیامت تا اینکه به چهار چیز پاسخ دهد. اینکه عمرش را در چه راهی فنا کرده و نوجوانی خود را در چه مسیری گذرانده است و...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۵۸).

گویا منظور حضرت از این عبارت، توجه دادن آدمی به اهمیت این دوران است. زیرا هنگامی که از انسان سؤال شود عمرت را در چه راهی گذراندی؟ خود به خود این دوره را نیز شامل می‌شود. اما حضرت به‌طور خاص در مورد سؤال از این مرحله و این دوران در ادامه حدیث سخن به میان آورده‌اند که در واقع بیانگر اهمیت این مرحله می‌باشد. توصیه‌های امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز بر اهمیت این مرحله، سند قاطعی است. حضرت می‌فرمایند: «شَيْئَانِ لَا يُعْرَفُ فَضْلُهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ» (ابن ابی فارس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این حدیث شریف، نعمت نوجوانی را در ردیف نعمت عافیت و تندرستی می‌آورند؛ زیرا همه به این مسئله، که صحت و سلامتی یکی از بزرگترین نعمات الهی است، اعتقاد دارند.

همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) همواره به یاران و اصحاب جوان خود می‌فرمودند: «بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ؛ جوانیت را قبل از پیری دریاب» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۰۸) و نسبت به آنهایی که از نیرو و قوت و قدرت این دوران غافل و از جایگاه و موقعیت ویژه خود بی‌خبر بودند و این فرصت را به راحتی از کف می‌دادند و از آن به خوبی استفاده نمی‌کردند، می‌فرمودند: «فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ؟؛ آیا کسی که در جوانی اهل تن پروری بوده می‌تواند در پیری چیزی جز شکستگی و ذلت را انتظار داشته باشد؟!» (مجلسی،

۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۰۸). اساساً آنهایی که از این مرحله به خوبی بهره می‌برند و به سلامت عبور می‌کنند، در مراحل بعدی نیز با مشکلات جدی و سخت روبرو نخواهند شد.

این مرحله از عمر انسان دوره‌ای پیچیده از مراحل رشد انسان است؛ زیرا در طی این دوران، نوجوان بلوغ و بحران بلوغ را تجربه می‌کند که بر رشد جسمانی و روان شناختی او تاثیر می‌گذارد. بحران هویت به مسائل و مشکلات عاطفی آنها در این مرحله بیش از پیش دامن می‌زند. نوجوان از نظر هوشی به مرحله تفکر انتزاعی می‌رسد. نوجوانی، یک دوره انتقال از کودکی و وارد شدن به دنیای بزرگترها می‌باشد. خود نوجوان نیز تمایل دارد از دوران کودکی رها شود. بنابراین نقش الگوها در ورود او به دنیای بزرگسالان و آموزش مسائل این دوران بسیار با اهمیت است. نوجوانی یک دوره تغییر است. میزان تغییر در نگرش‌ها و رفتارها در طی دوران نوجوانی با میزان تغییر در وضعیت بدنی برابر بوده و این تغییرات نیز همانند تغییرات فیزیولوژیکی با شتاب بوجود می‌آید. نوجوانی یک سن مسئله آفرین است؛ زیرا در سراسر دوره کودکی مسائل و مشکلات او توسط والدین، بزرگترها، مربیان و معلمان رفع می‌شد. اما اکنون نوجوان خواستار این است که خودش مشکلاتش را حل کند. به همین سبب اغلب کمک‌های والدین و مربیان را نمی‌پذیرند و دیگر اینکه نوجوانان دوست دارند افرادی مستقل و آزاد باشند، بر خلاف کودکان که همیشه اظهار وابستگی می‌کنند (سهراب زاده و حکیم جوادی، ۱۳۹۹، ص ۵۹ و ۶۰). «روسو» از این دوره با نام (تولد دوباره) یاد می‌کند. برخی دیگر از روانشناسان از این دوره با نام دوره «عاطفه پرستی»، «احساس گرایی»، «فشار»، «بی سر و سامانی روحی»، «نقطه عطف زندگی» و دوران «تشنج» تعبیر کرده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

این دوران در واقع مرحله بروز برخی مشکلات است. مشکلات جسمانی نظیر نداشتن تناسب اندام مطلوب، احساس خستگی و بی‌رمقی، ظهور ناگهانی تمایلات جنسی و در بسیاری

از مواقع ارضاء نادرست این تمایلات و مشکلات اجتماعی از قبیل ناتوانی در گفتگو با دیگران، عدم آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی، بی‌اطلاعی از شیوه‌های صحیح ارتباط، مشکلات تحصیلی مثل عدم تمرکز و توجه، عدم توانایی در برنامه ریزی صحیح، اطلاع نداشتن از شیوه صحیح مطالعه، تبعیض در کلاس، ضعف دقت و مشکلات اخلاقی مانند خودنمایی، پرخاشگری، وسواس، انحرافات جنسی و مشکلات خانوادگی نظیر اختلاف بین پدر و مادر، محدودیت زیاد، استبداد پدر و مادر، بد اخلاقی با فرزندان، خوار شمردن نوجوان، تبعیض بین فرزندان، عصبانیت، وجود والدین بد بین، بی‌مهری و سردی والدین نسبت به فرزندان، نداشتن کانون گرم و صمیمی در سایه محبت و ... می‌توان اشاره کرد (اناری، ۱۳۹۹، ص ۱۲).

تغییرات رشدی این دوران، همه جانبه است و توجه به آن ضروری است. نوجوان دارای ماهیتی، زیستی - اجتماعی است. به عبارت روشن‌تر رشد و تکامل نوجوانی از عوامل طبیعی و سرشتی، تجارب دوران طفولیت و کودکی، گرایش‌های والدین، نقش گروه‌های همسال و مقتضیات، خواسته‌ها و انتظارات والدین، دوستان و جامعه متأثر می‌شود (منصور و دادستان، ۱۳۵۶، ص ۳۰۲).

۴- مختصات و ابعاد بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

قرآن کریم «احتلام» را کنایه از بلوغ می‌داند. «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَلُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» (نور: ۵۹) و آن را پایان دوره کودکی و شروع دوره نوجوانی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۵۴۱).

بلوغ در لاتین به معنای سن مردانگی است (حق شناس و انتخابی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۳۷) و در اصطلاح وقتی اعضای جنسی فرد به رشد نهایی خود می‌رسد، بلوغ حادث می‌شود. رشد،

صفات ثانویه جنسی و تغییرات بدنی و روانی نشان دهنده بلوغ است (منصور و دادستان، ۱۳۶۵، ص ۷۱).

هنگامی که کودک به دنیا می آید، دارای چهار هزار سلول عصبی مغزی است. تمام این سلول‌ها در همه وقت در حال فعالیت نیستند. به محض اینکه روابط عصبی نسوج برقرار شد، تمرین فعالیت عصبی، خود به خود آغاز می گردد؛ ولی قبل از رسیدن به بلوغ، این واکنش‌های عصبی خیلی زیاد نیست. اگر شرایط انفعالی رضایت بخش نباشد، بلوغ مغزی به طور طبیعی پیشرفت نمی کند. فعالیت‌های عصبی باید بارور شده به مرحله تکامل لازم برسد و اگر کودک در این مرحله نتواند از آن استفاده کند، بلوغ او به کندی پیش می رود. از تاثیر عوامل هورمونی در رشد غده هیپوفیز که در تنظیم رشد بلوغ اهمیت فوق العاده‌ای دارد، نمی توان چشم پوشی کرد. در مرحله بلوغ، هیپوتالاموس به غده هیپوفیز علائمی می دهد تا هورمون‌هایی را که تاکنون ترشح نمی کرد، ترشح کند و این هورمون‌ها بر سایر غدد مثل تیروئید، آدرنال، تخمدان‌ها در زنان و بیضه‌ها در مردان اثر کنند و این غدد هورمون رشد جنسی را فعال می کند (شکیباپور، ۱۳۵۲، ص ۱۵۹). بر این اساس تکامل فیزیولوژیکی مغز و روان و جان آدمی را بلوغ می گویند. تغییرات بلوغ در همه افراد، در یک سن خاص و در زمان خاص رخ نمی دهد، بلکه در برخی نوجوانان در همان اوایل و در بعضی در اواسط و حتی اواخر نوجوانی صورت می گیرد. اما قابل توجه این است که پدیده «بلوغ» در نوجوانی رخ می دهد. در حصول پدیده بلوغ اختلالاتی نظیر زودرسی و دیررسی هم صورت می گیرد که به شرایط و عوامل متعددی بستگی دارد. به عنوان مثال از عوامل بلوغ دیررس کم کاری هورمون‌ها، کمی هورمون رشد، نوع تغذیه و شرایط آب و هوا را ذکر کرده‌اند. اما در بلوغ زودرس - که خطرناک هم به نظر می رسد - به عواملی همچون: نوع تغذیه، شرایط جوی (آب و هوای گرم)، مطالعه کتب محرک، غریزه

جنسی، بی‌قیدی مثل ارتباط بی‌قید و شرط اطرافیان از جمله پدر و مادر، نوع پوشش و ... اشاره کرده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

۵- انواع بلوغ از منظر قرآن و علوم تربیتی

در این دوره، فرد به مرحله‌ای می‌رسد که تحولاتی در اندام، احساسات و اندیشه‌اش پدیدار می‌گردد. این از عمر، مرحله بسیار حساسی است. نوجوان در این مرحله از جهات مختلف به بلوغ و رشد می‌رسد، اما همه ابعاد بلوغ بطور همزمان رخ نمی‌دهد. در همه جوامع و نزد همه مکاتب، این مرحله به علت دگرگونی‌های عمیق جسمی و روحی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین جهت روانشناسان، حقوقدانان، جامعه‌شناسان و فقیهان به بررسی و تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند و با توجه به تحقیقات، آنها به ابعاد مختلفی از بلوغ اشاره می‌کنند. از جمله بلوغ جسمی، جنسی، عقلی، عاطفی، قانونی، نکاح، بلوغ شرعی و اعتقادی.

۵-۱- بلوغ جسمی

از مشخص‌ترین و محسوس‌ترین جنبه‌های رشد، بلوغ جسمی است که از آغاز تشکیل نطفه شروع می‌شود و بعد از تولد با یک آهنگ منظم جریان می‌یابد و همزمان با تغییرات بدنی، تحولاتی در شخصیت فرد نیز بوجود می‌آید. بیشترین تغییرات و تحولاتی که در دوران بلوغ، دیده می‌شود، رشد و تکامل فیزیکی در داخل (تغییرات هورمونی) و خارج از بدن مانند تغییر در اندام‌ها، مانند بلند شدن قد، رشد مو در اطراف اندام جنسی، تغییر صدا و بم شدن آن، آکنه‌های پوستی و... که کاملاً محسوس است (اناری، ۱۴۰۲، ص ۳۷).

منظور از بلوغ جسمی، آخرین حد رشد جسمانی فرد می‌باشد که این رشد بر اساس عواملی مثل ژنتیک، محیط جغرافیایی، نوع تغذیه و ... کما بیش فرق می‌کند. ولی به‌طور کلی

آخرین حد رشد جسمانی در دختران تقریباً پایان شانزده سالگی و در پسران تا پایان بیست سالگی است. بعد از آن، رشد جسمی خیلی کند می‌شود به طوری که از بیست و سه و بیست و چهار سالگی دیگر رشد جسمی کاملاً متوقف می‌شود (آسیموف و بهزاد، ۱۳۶۶، ص ۴۵۸). بنابراین داشتن یک برنامه غذایی مناسب و سالم در این دوره الزامی است.

امام صادق (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه شریفه «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى...» (قصص: ۱۴) فرمودند: «اشدّه ثمانی عشره سنّه و استوی التحی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۶). مراد از «اشده» (نیرومندی) رسیدن به سن هیجده سالگی و مراد از «التحی» رویدن مو در صورت است. آیت الله طباطبایی نیز معتقد است: «بلوغ اشد» اشاره به نیرومندی بدن دارد که این نیرو غالباً در هیجده سالگی در فرد حاصل می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۳۲، ص ۱۰۸).

۵-۲- بلوغ جنسی

نقطه زمانی پیدایش غریزه جنسی در کودک را شروع بلوغ می‌گویند که آغاز آمادگی جنسی است. در این دوره، اندام‌های جنسی به جهت بروز صفات ثانویه جنسی شروع به رشد می‌کند. پسران، توانایی در امر تولید اسپرم برای باردار کردن، و دختران توانایی در آزاد کردن تخمک و باردار شدن پیدا می‌کنند (وایت و شاهلویی، ۱۳۶۰).

تغییرات هورمونی که سبب ساز بلوغ جنسی در نوجوان می‌باشد، می‌تواند منجر به نوسانات عاطفی و افزایش حساسیت نوجوان شود. رشد هویت جنسی، بخشی از فرایند عمومی رشد است و اساس زیستی دارد. اما با عواملی نظیر چگونگی ارتباط با والدین، همسالان، محیط آموزشی و فرهنگ و جامعه نیز مرتبط است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که هویت جنسی از جهت نگرش و رفتار، در دختران و پسران متفاوت است. براین اساس، انرژی پسران عمدتاً جهت گیری

خارجی دارد و بر کنترل و تسلط بیرونی متمرکز است؛ در حالی که انرژی روانی دختران متوجه دنیای درونی و عاطفی است (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۶).

قرآن نیز به بلوغ جنسی اشاره دارد. در تفسیر آیه شریفه «و إِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» (نور: ۵۹) آمده است: «حلم» به معنای در خواب دیدن می باشد و منظور از احتلام خروج منی است و احتلام از نشانه های بلوغ است. لذا این آیه اشاره به بلوغ جنسی دارد.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره می فرمایند: «انقطاع یتیم بالاحتلام؛ یتیمی با محتلم شدن پایان می پذیرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۶۸). بنابراین احتلام از نشانه های اصلی و بارز بلوغ جنسی می باشد.

گذر از مرحله بلوغ جنسی، مشکلات متعددی در زمینه روانشناختی از جمله اضطراب، افسردگی، اختلالات خلقی، اختلال در خوردن مثل بی اشتهاپی و... را به همراه دارد (سهراب زاده و حکیم جواد، ۱۳۹۹، ص ۶۴). درک موقعیت و صحبت با نوجوان در مورد بلوغ جسمی و جنسی به جهت آگاه کردن، آرام کردن و حتی دلپذیر کردن این دوره برای آنها ضروری است؛ زیرا اغلب نوجوانان از این تغییرات حاصله ناخشنود و حتی مضطرب می شوند.

۳-۵- بلوغ عقلی یا رشد شناختی

بلوغ عقلی یعنی زمانی که عقل به نهایت رشد و کمال خود می رسد (حق جو، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

همه افراد در رسیدن به بلوغ عقلی و فکری یکسان نیستند. رشد شناختی در این دوره با تغییرات پیچیده ای همراه است که بر تفکر، یادگیری و تصمیم گیری نوجوان تاثیر گذار است. در این دوره نوجوان قادر به تفکر انتزاعی می شود (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

بنابراین می‌تواند به تجزیه و تحلیل مفاهیم بپردازد. او می‌تواند استدلال‌های منطقی را انجام داده و نتایج احتمالی را بررسی کند؛ به‌طوری که شروع به تجزیه و تحلیل احساسات و تفکرات خود می‌کند و نسبت به قضاوت‌های دیگران حساس‌تر می‌شود در حالی که در دوره‌های گذشته (کودکی) این گونه نبود. یعنی با ورود به دوران نوجوانی یک تحول کیفی در تفکر نوجوان بوجود می‌آید. از نظر «دانیل کتینگ» تفکر در نوجوانی دارای پنج ویژگی اساسی است و آنها عبارتند از: تفکر درباره ممکنات، تفکر آینده‌نگر، تفکر با کمک فرضیات، اندیشیدن به فرایند فکری خود و تفکر در ورای حدود قراردادی (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳). این مرحله با مخاطرات جدی نیز همراه است. کودکی که تا دیروز وضعیت موجود را همان گونه که بود می‌پذیرفت و دستورالعمل‌ها را اجرا می‌کرد، به مرحله‌ای می‌رسد که قادر است شقوق فرضی متفاوت از واقعیت موجود را در ذهن تصور کند و گاهی واقعیت‌ها را نپذیرد. تفکر ایده‌آلی او ریشه در همین مسئله رشد شناختی و رسیدن به مرحله تفکر انتزاعی دارد. این ایده‌آل‌گرایی بین نوجوان و والدین و نسل قبلیش شکاف عمیقی به وجود می‌آورد (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). یکی دیگر از مخاطرات دوره نوجوانی که مرتبط با پدیده تحول شناختی نوجوان است، خود محوربینی نوجوان می‌باشد که تصور می‌کند همیشه تحت نظر است و دیگران نیز مانند خودشان نسبت به همه اعمال و حرکات و وضعیت ظاهری آنها حساس هستند. بنابراین مثل فردی که روی صحنه نمایش است خود را می‌بیند و به تبع آن خیلی وسواس گونه عمل می‌کند. از طرفی به دلیل علاقه‌مندی به بروز و بکارگیری توانمندی‌های ذهنی، تمایل به مجادله در بحث‌های مذهبی، فلسفی و... در این دوره دیده می‌شود (رایس فلیپ، فروغان، ۱۴۰۱، ص ۲۱۸).

قرآن درباره بلوغ عقلی و رشد فکری می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...» (اسراء: ۳۴). در تفسیر این آیه چنین آمده است: «حفظ مال یتیم خدمتی آشکار به یتیمان است و این وضع تا زمانی که آنها به رشد فکری و عقلی برسند، ادامه دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۲، ص ۱۰۹). لغت «اشد» از «شد» به معنای گره محکم است و به هرگونه استحکام جسمانی و روحانی گفته می‌شود. لغت «اشد» هم بلوغ بدنی و هم بلوغ فکری را می‌رساند (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۱).

ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: «مَتَىٰ يَدْفَعُ إِلَى الْغُلَامِ مَالَهُ؟ قَالَ: «إِذَا بَلَغَ وَ أَوْ نَسَ مِنْهُ رَشْدًا وَ كَمْ يَكُنْ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا؛ چه موقع اموال نوجوانان در اختیارشان سپرده می‌شود؟ امام فرمودند: موقعی که بالغ شود و بعلاوه رشد عقلی وی نیز معلوم گردد و سفیه یا ضعیف العقل نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۱۶۴).

۵-۴- بلوغ عاطفی یا رشد هیجانی

از جمله نیازهای انسان، شکوفایی عواطف و احساسات است. بُعد عاطفی نیز در وجود انسان، باید تقویت شود تا نمادهای عاطفه و احساس مانند خشم، محبت، ترحم و دلسوزی و... به بلوغ و شکوفایی برسند. این بلوغ، بلوغ عاطفی نام دارد. از جمله جنبه‌های مهم رشد روانی که به نوجوان کمک می‌کند تا احساسات خود را درک و کنترل کند و در نتیجه با دیگران روابط سالم‌تری داشته باشد، رسیدن به بلوغ عاطفی و رشد هیجانی است. بلوغ عاطفی که ناشی از رشد روان انسان است، در دوره نوجوانی اوج می‌گیرد و نیازمند هدایت، به سمت و سوی راه صحیح می‌باشد (حق‌جو، ۱۳۷۶، ص ۲۴). این دوره می‌تواند تأثیرات عاطفی و روانشناختی عمیقی به همراه داشته باشد. یکی از دلایل نوسانات عاطفی، همان تغییرات هورمونی است که

موجب احساسات متغیر در نوجوان می‌گردد. از جمله خصایص هیجان و عواطف نوجوان، شدت، سرعت، عدم کنترل، ناپایداری و ناشی‌گری است (شعاری نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵۷۲).
قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْأِحْسَانِ...» (نحل: ۹۰). عدل و احسان و نیکی کردن به دیگران ناشی از عواطف و احساسات انسان است و در صورتی که افراد به این دستور الهی، جامه عمل می‌پوشند، که به بلوغ عاطفی برسند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صبح کند در حالی که نسبت به امور مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴).

در دوره نوجوانی، احساسات و عواطف، بطور چشمگیری بروز و ظهور پیدا می‌کنند. سرچشمه اغلب دوستی‌ها، خیرخواهی‌ها و بعضی از انحرافات نیز همین به اوج رسیدن عواطف است.

۵-۵- بلوغ قانونی

از نظر قوانین مدنی، بلوغ دارای سن خاصی می‌باشد. افراد بعد از رسیدن به سن قانونی باید از قوانین مصوب در مجلس قانونگذار کشورشان تبعیت کنند؛ چنانچه اگر مرتکب عمل خلاف قانون شوند، چون بالغ هستند، از نظر قانون باید با آنها برخورد شود.

به عنوان مثال؛ در ایران سن بلوغ مدنی در مرد و زن یکسان است. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ برای استخدام دولتی، صدور گواهی نامه و اخذ آن، رسیدن به سن هجده سالگی ملاک است.

همچنین طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی ایران، صغیر به کسی گفته می‌شود که به هجده سال تمام نرسیده باشد. بنابراین کسی که به سن هجده سالگی نرسیده باشد، ارث به او می‌رسد و املاک به نام او ثبت می‌شود، اما حق خرید و فروش ندارد (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸).

۵-۶- بلوغ نکاح

زمانی که فرد، صلاحیت ازدواج کردن پیدا می‌کند، می‌تواند تشکیل خانواده بدهد. در اسلام، نکاح قبل از بلوغ ممنوع است؛ یعنی قبل از حصول علائم بلوغ، دختر و پسر اجازه ازدواج ندارند (احسانبخش، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱).

در تفسیر آیه شریفه «وَ ابْتُلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» (نساء: ۶) چنین آمده است: «این آیه به بلوغ نکاح اشاره دارد. منظور از بلوغ نکاح این است که فرد به مرحله توانایی همخواهی برسد (طوسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۸). زمان فرا رسیدن بلوغ نکاح همان زمان پیدایش بلوغ جنسی است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۹۱) و بلوغ نکاح کنایه از بلوغ جنسی است (کاشانی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۴۳۸). اما منظور از بلوغ نکاح، فقط رسیدن به بلوغ جنسی نمی‌باشد و ظهور احتلام یا قاعدگی به تنهایی ملاک نیست. منظور از بلوغ نکاح این است که از لحاظ بلوغ جسمی و روحی فرد به کمال رسیده باشد و بتواند تشکیل خانواده بدهد و از عهده آن بر بیاید. بنابراین فقط احتلام و بلوغ جنسی منظور نیست؛ چون نه احتلام دلیل کامل بر رشد جسم و روح است و نه عدم احتلام دلیل عدم رشد جسم و روح می‌باشد. بنابراین این که بلوغ نکاح با ظهور نشانه‌های بلوغ (احتلام، انابت، سن) مشخص می‌شود، صحیح است؛ ولی اینها برای ازدواج کافی نیستند، هرچند این موارد ضروری می‌باشد.

۵-۷- بلوغ شرعی

در فقه اسلامی «بلوغ» شرط صحت انجام احکام تکلیفی و وضعی مثل عبادات، معاملات و حقوق است.

بر اساس موازین شرعی دختر بعد از به پایان رسانیدن نه سال تمام قمری و پسر بعد از اتمام پانزده سال قمری مکلف می شود و به بلوغ می رسد.

پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: «إِنَّهُ إِذَا اسْتَكْمَلَ الْمَوْلُودُ وَ خَمْسُ عَشْرَةَ سَنَةً كَتَبَ مَالَهُ وَ مَا عَلَيْهِ وَ أَخَذَ مِنْهُ الْخُدُودُ؛ هرگاه پانزده سال فرزند (پسر) کامل شود آنچه برای اوست و آنچه علیه اوست (از حسنات و شیئات) نوشته می شود و حدود بر او اقامه می شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۴۳).

همچنین پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: «لَا يَدْخُلُ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى يَأْتِيَ بِهَا تِسْعَ سِنِينَ أَوْ عَشْرَ سِنِينَ؛ همبستر شدن با دختر قبل از نه و ده سالگی جایز نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۱۱).

«عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا احْتَلِمَ الصِّيَامُ وَ عَلَى الْمَرْأَةِ إِذَا حَاضَتْ الصِّيَامُ؛ بر پسران وقتی محتلم شدند و بر دختران وقتی حائض شدند روزه واجب می شود» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۱۸).

با مشخص شدن علائم بلوغ، فرد از نظر فقهی و شرعی مکلف به انجام فرائض می شود.

۵-۸- بلوغ اعتقادی یا رشد اخلاقی

ریشه غرایز و خواهش های نفسانی از دوران کودکی در نهاد آدمی وجود دارند؛ اما تدریجاً با پیشرفت و افزایش سن و تناسب نمو بدن، در دوران نوجوانی با شدت بیشتری آشکار می گردند. ریشه های معرفت نیز به طور فطری در اعماق جان آدمی نهفته است. در این دوران،

همان‌طور که فرد از نیروی جسمانی برخوردار می‌شود، بذره‌های معرفت و تمایلات فطری، ایمانی و اعتقادی نیز در سراسر وجود نوجوان خودنمایی می‌کند. رشد اخلاقی در نوجوان تحت تاثیر عواملی همچون شناخت، تجربیات اجتماعی و روابط فردی است که نوجوان می‌تواند ارزش‌ها و اصول اخلاقی را بپذیرد و آنها را شکل داده و توسعه بدهد. رشد اخلاقی وابسته به رشد شناختی است. در این دوره ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای فرد بیش از پیش مطرح می‌شود.

از نظر پیاژه، رشد مفاهیم اخلاقی در کودکان دارای توالی ثابت و نامتغیری است که از یک مرحله اولیه که مرحله «واقع‌نگری اخلاقی» نام دارد، آغاز می‌شود و پس از چند سال به یک مرحله کامل‌تر به نام «اخلاق توافقی» منتقل می‌شود. از نظرایشان ویژگی‌های «اخلاق توافقی» چنین است:

- ۱- قضاوت‌های اخلاقی در این دوره در مورد قوانین اجتماعی، بیشتر «نسبی‌گرا» است. به این معنا که قوانین و مقررات در نظر نوجوان عبارت است از یک سلسله موافقت‌های قراردادی و دل‌خواهی که می‌تواند مورد تردید و حتی تغییر قرار گیرد.
- ۲- اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب.

- ۳- سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً هم به تنبیه منتهی نمی‌شود.
- ۴- در قضاوت رفتار دیگران، علاوه بر توجه به پیامدهای عینی آن، احساسات و دیدگاه‌های افراد نیز باید به حساب آید. تنبیه یک رفتار، همیشه باید مناسب با ثبات فاعل و ماهیت سرپیچی (انگیزه مخالفت) باشد.

۵- تنبیه رفتار نادرست باید به صورتی اعمال شود که یا آسیب وارده تلافی شود و یا دست کم به خطا کار پیامزد که در صورت تکرار موقعیت به گونه‌ای بهتر عمل کند.

۶- باید مساواتی به شکل «عدالت برابر» برای همه وجود داشته باشد (بی‌ریا، ۱۳۷۵، ص ۴۲۲).

«کلبرگ» دیدگاه «پیاژه» را گسترش داده است. در تحقیقات او، اخلاق دوره نوجوانی از نوع اخلاق فوق قراردادی و خودمختاری است. در واقع نوعی تصمیم‌گیری اخلاقی است که شخص با انتخاب خود اصول اخلاقی معینی را دنبال می‌کند. پایه اساسی اخلاق این دوره، اصول جهان شمول عدالت به عنوان بنیاد تصمیم‌گیری در مسائل اخلاقی است که می‌تواند به اصول دیگری همچون حقوق اجتماعی، برابری و حق تعیین سرنوشت تعمیم یابد. در این مرحله است که اخلاق فرد می‌تواند از اصول مربوط به قراردادهای اجتماعی نیز فراتر رود و حتی ضرورت نافرمانی از برخی قراردادهای اجتماعی نامطلوب را موجب بداند (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱).

«موریس دبس» معتقد است که رشد اخلاقی و ارزشی نوجوان دارای سه مرحله است؛

مرحله اول: مرحله اخلاق بسته یا اخلاق مبتنی بر دستورات و مقررات و قوانینی که از جانب دیگران وضع شده است و نوجوان از آنها اطاعت می‌کند.

مرحله دوم: مرحله اخلاق باز که به صورت فردی بروز می‌کند و جنبه تمایل شخصی دارد. این اخلاق صورت مخالفت با ارزش‌های خانوادگی و محیطی را به خود می‌گیرد و نوجوان پیوسته به سوی حیات شخصی‌تر و خصوصی‌تر می‌رود و می‌خواهد آزاد باشد تا بتواند به میل خود رفتار کند. او غالباً در خصوص انتخاب‌های خود احساسات تند و مبالغه‌آمیزی دارد و اعمال خود را از روی این احساسات تنظیم می‌کند.

مرحله سوم: مرحله اخلاق ارزش‌هاست که در آن حالاتی مانند فداکاری، یکرنگی، پاکدلی، رحم، شفقت و قهرمانی ارزش می‌یابد و فرد با سرمشق قرار دادن انسان‌هایی که آینه کمالات اخلاقی و دینی هستند، به دعوت آنها گوش فرا می‌دهد (دبس، کاردان، ۱۳۷۴، ص ۸۹).

نوجوان به‌طور طبیعی رغبت زیادی به درک مسائل مذهبی دارد. زمانی که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در مکه قیام کردند و دعوت خود را بین مردم آشکار نمودند، هیجان عظیمی در نسل نوجوان و جوان ایجاد شد. آنان به دلیل تمایل فطری مذهب، در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اجتماع کردند و تحت تأثیر گفتار ایشان قرار گرفتند. همین امر سبب بروز اختلافات بین نوجوانان با سایرین گردید. به طوری که والدین نوجوانان نسبت به این مسئله به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اعتراض نمودند و گفتند: «فَاجْتَمَعَتْ قَرِيشٌ فَقَالُوا: يَا اِبَاطَالِبِ اَنْ اِبْنِ اَخِيكَ قَدْ سَبَّ الهِتَا وَاَفْسَدَ شَبَابَنَا وَفَرَّقَ جَمَاعَتَنَا؛ قَرِيشٌ نَزَدَ ابِوطَالِبٍ جَمَعَ شَدْنَدٌ وَاَبَاطَالِبِ اَيُّ ابِوطَالِبٍ بَرَادِرْزَادَهَاتِ خَدَايَاں مَا رَا بِهٖ بَدِیْ يَادُ كَرْدَهٗ وَ نَوْجَوَانَانِ مَا رَا فَاسَدَ نَمُودَهٗ وَ مَایَهٗ تَفَرَّقَ وَ جَدَايِی وَ اخْتِلَافَ بَیْنِ مَا شَدَهٗ اسْت» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۴۳).

در مرحله‌ای از نوجوانی، تمایل فطری نوجوان به مذهب بیشتر می‌شود. روان‌شناسان معتقدند: بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی ارتباط وجود دارد (قائمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۸).

تقاضای مذهب یکی از خواش‌های فطری بشر است که با فرا رسیدن بلوغ مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان بیدار می‌شود و آنها را به کوشش وادار می‌دارد.

۶- مسئله بحران هویت

به طور کلی دوران بلوغ، دوره‌ای از زندگی انسان تلقی می‌شود که در طی آن فرد با انقلاب و اغتشاش فراوانی روبرو است. نوجوان به دنبال هویت‌یابی و کشف استقلال است، یعنی می‌خواهد بداند چه کسی است؟ در زندگی به دنبال چه چیزی است؟ (برک، سید محمدی،

۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۹). جنسیت، فردیت، پایداری مهم‌ترین مسائل اساسی در احراز هویت محسوب می‌شوند (بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

بلوغ را دوران بی‌قراری، بی‌سر و سامانی روحی، دوران احساس‌گرایی و ... نامیده‌اند و حتی کار به جایی می‌رسد که از آن با نام «جنون» یاد شده است (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۹۷). این دوران ممکن است با مشکلاتی مانند اضطراب، افسردگی و تعارضات خانوادگی همراه باشد (سهراب زاده و حکیم جوادی، ۱۳۹۹، ص ۶۱). از طرفی هم می‌تواند با غلبه بر مشکلات فرصت خوبی برای رشد و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی باشد. خانواده، مذهب و فرهنگ نقش مهمی در ابراز هویت نوجوان دارند (موسوی منفرد و سهرابی زاده، ۱۳۹۴، ص ۶).

در این مرحله چون نوجوان از جهات مختلفی به بلوغ و رشد می‌رسد، مرحله بسیار حساسی است. نوجوان، برای رسیدن به کمال بلوغ دو مرحله اساسی را پشت سر می‌گذارد. یکی مرحله «جهش» و دیگری مرحله «ثبات».

مرحله «جهش» همان حرکت ابتدایی است که در آن پایداری وجود ندارد. در این مرحله نوجوان مانند گیاهی که تازه سر از خاک برآورده است، قدرت حفاظت و حراستش کم است. نوجوان در دوران پیش از بلوغ و بلوغ مرحله «جهش» را می‌گذراند. در در این مرحله نوجوان یا جهش مثبت یا جهش منفی دارد.

در مرحله «ثبات»، حرکات و رفتارهای نوجوان غالباً از پایداری برخوردار می‌شود. پایه مرحله ثابت در مرحله جهش ریخته می‌شود. مرحله ثبات را در روانشناسی «شرطی شدن» و در روایات «ملکه یا عادت» می‌نامند.

مرحله ثبات در اواخر نوجوانی یعنی بعد از بلوغ مشاهده می‌شود. در واقع کمال مرحله جهش، همان تثبیت و نهادینه شدن می باشد. اگر نوجوان در این مرحله به جهش مثبت یا منفی خو بگیرد و حاضر به ترک آن نشود، به مرحله ثبات می رسد (حق جو، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

این دوره به دلیل اهمیتش شدیداً نیازمند شناخت و برخورد مناسب و حمایت و مدیریت است. نوجوان در این دوره نیازمند حمایت عاطفی، آموزشی و اجتماعی از سوی افرادی مانند والدین و معلمان و مربیان است؛ زیرا آنها افرادی هستند که با نوجوان ارتباط بیشتری دارند.

نتیجه‌گیری

بعد از بیان موقعیت و جایگاه نوجوان و ضوابط و دستورات اسلام و همچنین بیان نظرات روانشناسان و متخصصین علوم تربیتی درباره نوجوان، بازگویی تغییرات و تحولات جسمی، روحی، شناختی و... این دوره منجر به شناخت، آگاهی و درک بهتر این دوره می‌شود و آمادگی روبرو شدن با این تغییرات پیچیده به عنوان بخش طبیعی از فرآیند رشد را، فراهم می‌آورد. درک چالش‌های این دوره می‌تواند به کاهش اضطراب و استرس نوجوان والدینش بیانجامد و سبب بهبود ارتباط نوجوان با اطرافیان و پیشگیری از مشکلات و رفتارهای پر خطر و اختلالات خلقی نوجوان شود و در نتیجه زمینه‌ساز رشد سالم و متعادل او گردد.

در این مرحله حساس فرد به بلوغ می‌رسد. بلوغ جسمی و جنسی توأم و به صورت اثرگذار بر هم در وجود نوجوان شکل می‌گیرد که در تغییرات خلقی نوجوان هم بی‌تأثیر نیست. اهمیت بلوغ عاطفی و شناختی که یک فرآیند تدریجی محسوب می‌شود و نقش مهمی در شخصیت و توانایی اجتماعی نوجوان دارد، در حفظ سلامت روانی، بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت تحصیلی و شغلی نوجوان بشدت اثرگذار است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۶۱)، **معانی الاخبار**، قم: دفتر نشر الاسلامی.

۲- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۶۳)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جماعه المدرسین.

۳- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، **لسان العرب**، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.

۴- احدی، حسن و محسنی، نیکچهر (۱۳۹۶)، **روانشناسی رشد مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی**، تهران: انتشارات آینده درخشان.

۵- احسانبخش، صادق (۱۳۷۴)، **نقش دین در خانواده**، قم: ناشر مولف.

۶- سیموف، ایزاک (۱۳۶۶)، **تن آدمی**، محمود بهزاد، تهران: علمی فرهنگی.

۷- اناری، آسیه و اناری، رضوان (۱۳۹۹)، **توانمند سازی نوجوان**، تهران: انتشارات نسل یاسان.

۸- اناری، آسیه و اناری، رضوان (۱۴۰۲)، **راهنمای جامع فرزند پروری در دوره نوجوانی**، تهران: انتشارات نسل یاسان.

پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی ۴۳

۹- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات سازمان

پژوهش و برنامه ریزی.

۱۰- برک، لورا (۱۴۰۳)، **روانشناسی رشد** (از نوجوانی تا پایان زندگی)، یحیی سید

محمدی، تهران: نشر ارس باران.

۱۱- بستانی، محمود و هوشم محمود (۱۳۸۸)، **اسلام روانشناسی**، مشهد: انتشارات

آستان قدس رضوی.

۱۲- بی‌ریا، ناصر (۱۳۷۵)، **روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی**، تهران:

انتشارات سمت.

۱۳- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸)، **روانشناسی نوجوانان**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴- حسینی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**،

بیروت: دارالفکر.

۱۵- حق جو، محمدحسین (۱۳۷۶)، **جلوه‌های بلوغ**، تهران: انتشارات رستگار.

۱۶- حق شناس، محمدعلی و انتخابی، نرگس (۱۳۸۰)، **فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی**

- **فارسی**، تهران: انتشارات مهر.

۱۷- دبس، موریس و کاردان، محمدعلی (۱۳۷۴)، **مراحل تربیت**، تهران: دانشگاه تهران.

۱۸- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹- ذیگوریدز، جرج (۱۳۸۱)، **روانشناسی رشد**، سجاد سالک، غلامرضا امام داد، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.

۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت: دارالشامیه.

۲۱- رایس، فلیپ (۱۴۰۱)، **رشد انسان**، مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند.

۲۲- سهراب زاده، فاطمه و حکیم جوادی، منصور (۱۳۹۹)، ارتباط بین مشکلات بلوغ عاطفی و اجتماعی نوجوانان با اختلال افسردگی و اضطراب اجتماعی، فصلنامه **پرستاری مامایی و پیراپزشکی**، دوره ششم شماره سوم زمستان، ص ۶۷-۵۸.

۲۳- سیاح، احمد (۱۳۷۴)، **فرهنگ بزرگ جامع نوین اسلام**، تهران: نشر اسلام.

۲۴- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین (۱۴۰۱)، **روانشناسی رشد نظریه‌های رشد**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی علوم انسانی و اسلامی سمت.

۲۵- شرفی، محمد رضا (۱۳۷۶)، **دنیای نوجوان**، تهران: موسسه فرهنگی منادی.

۲۶- شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۷)، **شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۷- شریفی، پرویز (۱۳۸۰)، **نظریه‌های روانشناسی تحولی**، تهران: انتشارات

خوشنواز.

- ۲۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸)، **روانشناسی رشد**، نشر اطلاعات.
- ۲۹- شکیباپور، عنایت الله (۱۳۵۲)، **دائرة المعارف روانشناسی**، تهران: نشر فروغی.
- ۳۰- شمیم، علی اصغر (۱۳۳۲)، **فرهنگ امیر کبیر**، تهران: انتشارات مدبر.
- ۳۱- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۱)، **تفسیر المیزان**، قم: اسماعیلیان.
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ۳۳- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، **المبسوط (کتاب الصوم)**، تهران: المکتب المرتضویه.
- ۳۴- عاملی، محمد بن مکی (۱۳۴۶)، **لمعه دمشقیه**، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- ۳۵- عمید، حسین (۱۳۸۰)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۳۶- قائمی، علی (۱۳۶۱)، **شناخت، هدایت، تربیت نوجوانان و جوانان**، تهران: نشر امیری.
- ۳۷- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۱)، **قاموس قرآن**، تهران: نشر دار الکتب الاسلامی.
- ۳۸- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۵۱)، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۳۹- کلینی، یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، **الکافی**، قم: دار الحدیث.

۴۰- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰)، **روانشناسی رشد ۲، نوجوانی و جوانی**، تهران:

انتشارات سمت.

۴۱- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت: دار الاحیاء التراث.

۲۴- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ معین**، تهران: انتشارات زرین.

۳۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، قم: دارالکتاب اسلامی.

۴۴- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۶۵)، **لغت نامه روانشناسی**، تهران: نشر هنر.

۴۵- مهریزی، مهدی (۱۳۷۶)، **رساله فقهی، بلوغ دختران**، قم: مرکز مطالعات

و تحقیقات اسلامی.

۴۶- موسوی منفرد، فرزانه و سهرابی زاده، لیلا (۱۳۹۴)، **خانواده و بحران هویت**

نوجوانان، همایش بین المللی روانشناسی و زندگی.

۴۷- نجاتی، حسین (۱۳۸۹)، **روانشناسی نوجوانی**، تهران: انتشارات بیکران.

۴۸- وایت، ویلیام (۱۳۶۰)، **روانشناسی بلوغ**، فضل الله شاهلویی، تهران: انتشارات

مشعل.

۴۹- ورام، ابن ابی فارس (۱۳۶۳)، **تنبيه الخواطر و نزهه النواظر**، قم: انتشارات مکتب

داوری.